

یافتن الگوی خشونت از طریق مستندسازی



بازسازی تاریخی شکنجه و سایر رفتارهای
ظالمانه و تحقیرآمیز با زندانیان در افغانستان

تشکر و تقدیر

این گزارش به وسیله ی پتی گروسمن تالیف و توسط سوزانا سکوتو، رییس دفتر تحقیقات جرایم جنگی و کاترین کلیری تامپسون، معاون این دفتر ویرایش شده است. دفتر تحقیقات جرایم جنگی هم چنین از یاری آناهیتا اوستایی، دانشجوی کارشناسی ارشد دانشکده ی حقوق و اشینگتن بهره مند شده است. ما هم چنین از کمک سخاوتمندانه ی جامعه ی باز (open society) و به خصوص برنامه ی اطلاعات (Information Program) این سازمان سپاسگزاریم.

یافتن الگوها از طریق مستندسازی: بازسازی تاریخچه ی
شکنجه و سایر رفتارهای ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز با
زندانیان در افغانستان
دفتر تحقیقات جرایم جنگی
حمل ۱۳۹۳

کپی رایت: حمل ۱۳۹۳، دفتر تحقیقات جنایات جنگی
دانشکده ی حقوق واشنگتن، دانشگاه امریکن
تمام حقوق محفوظ است.

فهرست مطالب

- خلاصه ی کلی ۲
معرفی ۲
مراحل جنگ در افغانستان و محدودیت های مستندسازی ۴
مرحله ی اول: حزب دموکراتیک خلق افغانستان تحت تارکی و امین (۱۹۷۸-۱۹۷۹) ۵
مرحله ی دوم: حزب دموکراتیک خلق افغانستان تحت اشغال اتحاد جماهیر شوروی ۶
دوره ی دولت اسلامی افغانستان ۸
دوره ی امارت اسلامی افغانستان ۸
پس از ۲۰۰۱: بهبود مستندسازی اما ادامه ی الگوهای نقض موارد مستندشده ی شکنجه و سوء رفتار در افغانستان ۹
شکنجه و سوء رفتار در افغانستان قبل از ۱۹۷۸ ۹
شکنجه در زمان حزب دموکراتیک خلق افغانستان (۱۹۷۸-۱۹۷۹) ۱۱
خاد: شکنجه نظام مند می شود (۱۹۸۰-۱۹۹۲) ۱۲
شکنجه به وسیله ی نیروهای مقاومت افغانستان (۱۹۸۰-۱۹۹۲) پایدار ماندن شکنجه و سوء رفتار با زندانیان در دولت اسلامی افغانستان (۱۹۹۲-۱۹۹۶) ۱۵
شکنجه و رفتار غیرانسانی در امارت اسلامی افغانستان تحت طالبان (۱۹۹۲-۱۹۹۶) ۱۵
شکنجه و رفتار غیرانسانی در جمهوری اسلامی افغانستان و به عنوان بخشی از جنگ علیه تروریسم (۲۰۰۱-۲۰۱۳) ۱۷
دفتر امنیت ملی و خاد: موضوع مکرر در افغانستان امروز ۱۸
نتیجه گیری: نهادینه شدن نقض ها ۲۰

خلاصه ی کلی:

بر مبنای تحلیل گزارش هایی که در مورد شکنجه و رفتارهای غیرانسانی در افغانستان از ۲۶ سال پیش تا کنون تهیه شده است، این گزارش به بررسی این موضوع می پردازد که چگونه ساختارهای نهادینه شده موجب گسترش مصونیت و بی کیفی و تکرار الگوهای نقض حقوق بشر و بشردوستانه در این سال ها شده اند. مهم ترین نهاد مسئول شکنجه دستگاه امنیتی بوده است که تحت رژیم های مختلف از شکنجه برای ایجاد وحشت، اخذ اطلاعات و تنبیه مخالفان خود استفاده کرده است. در طول تاریخ افغانستان، عدم پاسخگویی افرادی که مسئول این نقض ها بوده اند به این معنی است که شکنجه هر چند تعداد قربانیان آن فرق کرده اند، به مثابه وسیله ی سرکوب در افغانستان از ابتدای جنگ در ۱۹۷۸ تا کنون بدون تغییر باقی مانده است.

اسنادی که پایه ی این گزارش را تشکیل داده اند برای اولین بار در مخزن زیر، به عنوان بخشی از پروژه ی مستندسازی افغانستان قابل دسترسی می باشند: <http://www.afghandocproject.org/>

این مخزن شامل گزارش هایی از سازمان های حقوق بشری، سازمان ملل متحد و سازمان های حقوق بشری افغانستان است. این پروژه شامل مخزن اطلاعاتی است که با اسم، تاریخ، موقعیت جغرافیایی و نوع نقض حقوق بشر قابل جستجو می باشد در نتیجه منبع بسیار باارزشی را برای موضوعات حقوق بشری در افغانستان برای افراد و سازمان ها چه برای تحقیقات چه برای فعالیت های حقوق بشری به شمار می آید.

هر بار قدرت در افغانستان دست به دست چرخیده است، حکومت جدید یا در مورد سال های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۶ گروه های رقیب، مشروعیت حاکمیت خود را با سوء استفاده از قدرت دولتی علیه آن هایی که مخالف خود فرض می کردند، زیر سوال برده اند. به دلیل این که جنگ نهاد های اجتماعی و سیاسی را نابود کرده و بیش از یک میلیون کشته بر جای گذاشته و بیش از ۶ میلیون را از کشور به عنوان پناهنده و یا تبعید دائم رانده است، کار محققانی که سعی در بازسازی تاریخ این دوره و جمع آوری شواهد نقض های گذشته ی حقوق بشر و بشردوستانه دارند، با مشکلات فراوانی رو به رو است. اما همان طور که در این گزارش گفته شده، برخی اسناد حتی از سال های اولیه ی جنگ وجود دارد و گزارش در مورد حقوق بشر با ادامه ی جنگ بیشتر شده و اطلاعات دی قیمتی را در مورد خشونت های اتفاق افتاده فراهم آورده است. این گزارش اسنادی را که از مراحل مختلف جنگ در افغانستان در دست است را برشمرده و نقض های مستندشده به وسیله ی این گزارش ها و یا سایر روایت های موجود از این دوره ها بررسی می کند.

یافتن الگوی نقض حقوق بشر از طریق مستندسازی: بازسازی تاریخچه ی شکنجه و رفتارهای ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز بازداشت شدگان در افغانستان

مقدمه

کلیات

هر بار که قدرت در افغانستان در طول ۲۶ سال گذشته تغییر کرده است، رهبران جدید ادعا کرده اند که به دلیل این که خود آن ها رژیم متعدی و فاسد گذشته را شکست داده اند، حق بر قدرت دارند. ادبیات انقلاب خونین کمونیستی بر مبنای ادعای پایان دادن به خشونت قومی، و وعده ی اصلاحات ارضی، سوادآموزی عمومی و آموزش برای زنان بود، دولت اسلامی افغانستان که در سال ۱۳۷۱ تشکیل شد، از طریق براندازی نظام اشغالگر ملحد اعتبار کسب کرد و سعی کرد که ارزش های اسلامی را در کشور احیا کند^۱، انگیزه ی طالبان، ابتدا خلاصی کشور از شر جنگ سالاران چپاولگر و ایجاد حکومت اسلامی بود. اخیراً دول امضاکننده ی معاهده ی بن قصد خود را بر «پایان دادن به مخاصمات فجیع در افغانستان و گسترش آشتی ملی، صلح پایدار، ثبات و احترام به حقوق بشر در کشور» اعلام داشتند^۲.

اما در هر مرحله، حکومت های جدید (یا در مورد سال های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۶ احزاب و گروه های رقیب) مشروعیت خود را با سوء استفاده از قدرت دولتی علیه افرادی که مخالف خود فرض می کردند، زیر سوال بردند. شرایط هر کدام از این موارد متفاوت بود و و راه هایی که برای حذف رقیب استفاده می شد، فرق می کرد اما در طول زمان شباهت هایی بین تمام این موارد ثابت ماند. بررسی گزارش ها در مورد ادوار مختلف جنگ، ساختار نظام مندی را آشکار می کند که زیربنای تمامی این نقض های حقوق بشر و بشردوستانه است و نشان می دهد که هر چند که قدرت در طول زمان چندین بار دست به دست شده و هربار گروه های نظامی و ارتش های متحد مختلفی را علیه یکدیگر به رقابت واداشته، الگوهای خاصی از نقض حقوق بشر و بشردوستانه ثابت مانده است که مهم ترین آن ها نقشی است که دستگاه امنیتی در رژیم های متفاوت در شکنجه ی مخالفان برای اخذ و افشای

1 دیوید ب. ادوارد، زندگای طرفین درگیری قبل از طالبان: تبارشناسی جهاد در افغانستان (برکلی: نشریه ی دانشگاه کالیفرنیا، چاپ ۲۰۰۲) {از این پس زندگی طرفین} قابل دسترسی در:

<http://publishing.cdlib.org/ucpressebooks/viewdocId=ft3p30056w&chunk.id=d0e535&toc.depth=1&toc.id=d0e535&brand=ucpress>

2 سازمان ملل متحد، مقاله نامه ی بن در مورد ترتیبات موقت برای افغانستان تا استقرار مجدد نهاد های دائم دولتی، قابل دسترسی در <http://www.un.org/News/dh/latest/afghan/afghan-agree.htm> {از این پس، مقاله ی نامه ی بن}

اطلاعات بود.

روش تحقیق و ترمینولوژی

دیتابیس پروژه ی مستندسازی افغانستان شامل اسنادی در رابطه با نقض های حقوق بشر و بشردوستانه ی ارتکاب یافته به وسیله ی مامورین دولت های متفاوت و شبه نظامیان در طول جنگ از سال ۱۹۷۸ تا کنون است. این گزارش بر اساس تحلیلی از اسناد مربوط به شکنجه و سایر رفتار های غیرانسانی در مورد بازداشت شدگان در افغانستان در طول ۳۶ سال تهیه شده است. اسناد مرجع از طریق وبسایت پروژه ی مستندسازی افغانستان قابل دسترسی هستند [/http://www.afghandocproject.org](http://www.afghandocproject.org) اسنادی که در اینجا مورد استفاده قرار گرفته اند شامل گزارش های سازمان های بین المللی حقوق بشر، سازمان ملل متحد و سازمان های حقوق بشری افغانستان می باشند. کلمات کلیدی که جستجوی این اسناد استفاده شده اند شامل: «جرم جنسی»، «کتک زدن»، «رفتار تحقیرآمیز» و «آزار جسمی و روحی» هستند.

در این گزارش ما از اصطلاح «شکنجه»، «رفتار غیرانسانی» و «رفتار تحقیرآمیز» همان طور که در اسناد ماخذ آمده اند، استفاده کرده ایم. هر چند، تعاریفی که در ذیل برای «شکنجه» و «آزار» آمده است می تواند مفید باشد:

کنوانسیون ملل متحد علیه شکنجه، این تعریف را از شکنجه ارائه می کند:

واژه ی شکنجه عبارت است از ایراد عمدی هر گونه درد و یا رنج شدید بدنی یا روحی به یک شخص از جانب مامور رسمی دولت و یا کسی که در سمتی رسمی عمل می کند و یا به تحریک و یا اجازه و یا سکوت او به منظور اخذ اطلاعات و یا اقرار شخص و یا شخص ثالث و یا به هر دلیلی که مبتنی بر هر گونه تبعیض باشد. درد و یا رنجی که از مجازات های قانونی ناشی می شود و یا جزء لاینفک و یا لازمه ی آن هاست، از شمول این تعریف خارج است. کمیته ی بین المللی صلیب سرخ «از اصطلاح موسع تر آزار استفاده می کند تا هم شامل شکنجه بشود و هم شامل سایر روش های آزار منع شده به وسیله ی حقوق بین الملل مانند رفتار های غیرانسانی، ظالمانه و تحقیر آمیز، هتک حرمت و اکراه فیزیکی و روحی». چیزی که این اشکال آزار را از هم متمایز می کند، قصد مرتکب از این عمل و «ایراد درد و رنج شدید» است.³ بنابراین:

3 شورای اقتصادی اجتماعی سازمان ملل متحد، کنوانسیون منع شکنجه و سایر رفتارهای ظالمانه، غیر انسانی و تحقیرآمیز، ۱۰، A/RES/39/46، دسامبر ۱۹۸۴، ماده ی ۱ بند ۱، <http://www.un.org/documents/ga/res/39/a39r046.htm>

شکنجه نیازمند وجود سوء نیت خاص مانند اخذ اطلاعات بعلاوه ایراد عمدی درد و رنج شدید است.

رفتارهای ظالمانه و غیرانسانی سوء نیت خاص ندارند اما شامل ایراد سطح خاصی از درد و رنج می شوند و:

هتک حرمت شامل هیچ سوء نیت خاصی نیست اما شامل سطح خاصی از تحقیر یا تخریب می گردد.⁴

روش ها و تاثیرات آزار هم می تواند طبیعت فیزیکی داشته باشد و هم روحی.⁵

مراحل جنگ در افغانستان و محدودیت های مستندسازی

افغانستان ۳۶ سال درگیر جنگ بوده است. با توجه به این که جنگ بیشتر نهاد های اجتماعی و سیاسی را از بین برده و بیش از یک میلیون کشته برجای گذاشته و باعث فرار ۶ میلیون دیگر به خارج از کشور به عنوان پناهنده و سایر انواع تبعید دائمی شده است، بازسازی تاریخ این دوران و گردآوری شواهد نقض های حقوق بشر و بشردوستانه ی گذشته به شدت مشکل است.⁶

بین سال های ۱۹۷۸ تا اوایل ۱۹۸۰ بیشتر نخبگان تحصیلکرده ی افغانستان یا کشته شدند و یا از کشور گریختند.⁷ این وضعیت با توجه به این که قدرت در طی این سال ها چندین بار دست به دست گردیده، دشوار تر نیز شده است. شبه نظامیان که علیه دولت کمونیست افغانستان و حامیانش از شوروی در سال ۱۹۸۰ جنگیدند، بعد از ۱۹۹۲ موفق به ایجاد یک رژیم ائتلافی نشدند و در عوض به جنگ با یکدیگر پرداختند. آن ها عاقبت به وسیله ی کهنه سربازان دیگر جنگ علیه شوروی یعنی طالبان از دور خارج شدند. طالبان نیز پس از این که نیروهای ایالات متحده یا رقبای آن ها متحد گردید، شکست خورد.⁸ ادامه ی خشونت و بی ثباتی مانع تلاش ها در جهت

4 کمیته ی بین المللی صلیب سرخ، «تعریف شکنجه و سوء رفتار چیست؟»، مرکز اسناد کمیته ی بین المللی صلیب سرخ، ۱۵ فوریه ی ۲۰۰۵، سوال های معمول، <http://www.icrc.org/eng/resources/documents/misc/69mjxc.htm> (بازدید در

تاریخ ۵ دسامبر ۲۰۱۳)

5 همان

6 همان

7 همان

8 کسی نمی داند چند نفر در افغانستان از شروع جنگ تا به حال کشته شده اند. در سال ۱۹۸۸ گزارشگر ویژه ی حقوق بشر به آمارهایی اشاره می کند که تعداد قربانیان را بین ۱.۵ تا ۲.۵ میلیون نفر در طول ۱۰ سال اول جنگ تخمین می زنند. رک مجمع عمومی سازمان ملل، گزارش شورای اقتصادی اجتماعی، «وضعیت حقوق بشر در افغانستان»

مستند سازی وقایع گذشته گردیده است.

مرحله ی اول: حزب دموکراتیک خلق افغانستان در دوره ی تاریکی و امین (۱۹۷۸-۱۹۷۹)

ضعیف ترین مستندسازی در مورد مرحله ی اول جنگ، از شروع مخاصمه ی مسلحانه در آوریل ۱۹۷۸ تا مداخله ی نظامی شوروی در دسامبر ۱۹۷۹ انجام شده است. این دوره از آوریل ۱۹۷۸ (ثور ۱۳۵۷ در تقویم افغان) آغاز شد وقتی که حزب دموکراتیک خلق افغانستان به وسیله ی یک کودتا قدرت را به دست آورد و اقدام به سرکوب شورش ها در ارتش و روستاها نمود⁹. در آن هنگام هیچ سازمان حقوق بشر بین المللی به کشور دسترسی نداشت و تعداد بسیار معدودی خبرنگار بین المللی به کشور دسترسی داشتند.

گزارش ها از دهه ی شصت پس از این که سازمان ملل متحد و گروه های حقوق بشری شروع به تحقیق درباره ی این وقایع کردند، نوشته شده اند و شامل تعداد محدودی شهادت و اسنادی از اوایل این دوران می گردند¹⁰. آرشیو پروژه ی مستندسازی افغانستان شامل گزارش های اولیه ی گزارشگر ویژه ی حقوق بشر افغانستان می باشد اما ماموریت وی و دیدار اولیه ی او از افغانستان تا سال ۱۹۸۴ هنوز شروع نشده بود اما گزارش های او به طور خلاصه تعدادی مصاحبه درباره ی شکنجه و ناپدیدگی اجباری در دوره ی ۱۹۷۸-۱۹۷۹ اشاره می کنند¹¹. گزارش نقشه برداری سال ۲۰۰۵ که به وسیله ی کمیساریای عالی حقوق بشر ملل متحد تنظیم شد و هم چنین گزارش پروژه ی عدالت برای افغانستان تحت عنوان «سایه انداختن» مصاحبه های دیگری را با افرادی که در این دوره بازداشت شده بودند، گزارش می کنند¹².

مصاحبه های این چینی همراه با توصیفاتى که خارجىانى که شاهد نتایج

A/ 43/742& 1988، پاراگراف ۱۰۵ متحد. ر.ک. کمیساریای عالی سازمان ملل متحد، گزارش نقشه برداری افغانستان، ژانویه ی ۲۰۰۵، صفحه ی ۸۴. {از این پس گزارش نقشه برداری} قابل دسترسی در:

<http://www.flagrancy.net/salvage/UNMappingReportAfghanistan.pdf>

- 9 گزارش نقشه برداری افغانستان، همان پانویس ۸، صفحات ۱۲-۱۳
- 10 برای اطلاعات بیشتر از تاریخچه ی این دوران: ر.ک. گزارش نقشه برداری افغانستان، همان پانویس ۸، صفحه ی ۲۷۲. ر.ک. پروژه ی عدالت برای افغانستان، سایه انداختن: جنایات جنگ و جنایات علیه بشریت بین سال های ۱۹۷۸ تا ۲۰۰۱، صفحات ۶۱-۶۳. {از این پس سایه انداختن}
- 11 برای تاریخچه ی این دوره: ر.ک. سایه انداختن، همان، پانویس ۱۰، صفحات ۱۰-۱۱. هم چنین گزارش نقشه برداری افغانستان، همان پانویس ۸، صفحات ۹-۱۰
- 12 برای مثال ر.ک. کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، گزارش وضعیت حقوق بشر در افغانستان/تهیه شده به وسیله ی گزارشگر ویژه، فلیکس ارماکورا، موافق قطعه نامه ی ۱۹۸۴/۵۵ کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، ۱۹ فوریه ی ۱۹۸۵، E/CN.4/1985/21 قابل دسترسی در:

<http://www.refworld.org/docid/482994662.html>

کودتای ثور بودند¹³، این نتیجه را تایید می کند که در این دوران که حزب دموکراتیک خلق افغانستان تحت محمد تارکی و حفیظ الله امین در راس قدرت بود، سوء استفاده های گسترده ای شامل شکنجه و سوء رفتار با زندانیان صورت داد تا مخالفان خود را از گروه های سیاسی دیگر و هم چنین از سران سنتی قبایل حذف کند. ناپدید شدن اجباری و اعدام در این دوره به صورت گسترده انجام گرفته است که رقم آن ها شاید به ده ها هزار مورد برسد اما تعداد بسیار اندکی شهادت از افغان هایی که شاهد این وقایع بوده اند، ضبط شده است¹⁴. در این میزان و مقیاس، دوره ی اولیه ی حاکمیت حزب دموکراتیک خلق افغانستان مانند خمرهای سرخ است که بر کامبوج در بین سال های ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۹ حکومت می کردند¹⁵ اما برخلاف کامبوج که «مرکز اسناد» موفق به جمع آوری مقدار زیادی مدرک در مورد اعدام ها و شکنجه های انجام شده به وسیله ی خمرهای سرخ شد¹⁶، هیچ سازمانی تلاش مستمری برای اخذ شهادت از بازماندگان در این اندازه و با این جزئیات در دوره ی اول جنگ انجام نداد. بعلاوه بر خلاف خمرهای سرخ، حزب دموکراتیک خلق افغانستان آرشیوی از رفتار با زندانیانش نگاه نمی داشت یا اگر این کار را می کرد چنین اسنادی هیچ گاه پیدا نشده اند.

دوره ی دوم: حزب دموکراتیک خلق افغانستان در دوره ی اشغال شوروی (۱۹۷۹-۱۹۸۹)

مرحله ی بعدی جنگ با مداخله ی نیروهای شوروی در اواخر دسامبر ۱۹۷۹ و ترور پرزیدنت امین و انتصاب ببرک کمال به عنوان رییس جدید حزب دموکراتیک خلق افغانستان و رییس جمهور کشور آغاز شد. در طی این دوره، نیروهای شوروی در دوره ی اوج خود به ۱۰۰ هزار نفر می رسیدند و در کار نیروهای

13 همان

14 ر.ک. سایه انداختن، همان، پانویس ۱۰، صفحات ۱۴-۱۹، ر.ک. گزارش نقشه برداری افغانستان، همان پانویس ۸، صفحات ۱۴-۲۸

15 گزارش نقشه برداری افغانستان (صفحه ی ۹) به اسناد مختلفی اشاره می کنند که کودتا را توصیف کرده اند، خصوصا شهادت یک شاهد عینی یک انسان شناس آمریکایی به نام لوئیس دوپری که در آن زمان در کابل بود. ر.ک. لوئیس دوپری، پرچم سرخ بر فراز هندوکش، کودتای افتاقی یا تارمی در بلندرلند، کارمند دانشگاه امریکن در منطقه، آیزن سریز، شماره ی ۲۳ (هانور، نیوهامپشایر، آی.یو.اف. اس، ۱۹۸۰).

16 در اکتبر ۲۰۱۳ مقامات هلندی لیستی از ۴۷۸۵ نفر که بین سال های ۱۹۷۸ تا ۱۹۷۹ اجبارا ناپدید شده بودند، منتشر کردند. هر چند سازمان عفو بین الملل به چنین لیستی در گزارش سال ۱۹۸۰ اشاره کرده اما این اولین باری بود که این لیست واقعا در دسترس عموم قرار گرفت. ر.ک. کیت کلارک، «لیست مرگ منتشر شد: خانواده های ناپدیدشدگان به انتظار ۲۰ ساله ی خود برای شنیدن خبر پایان دادند»، شبکه ی

تحلیگران افغانستان، ۲۶ سپتامبر ۲۰۱۳، <http://www.afghanistan-analysts.org/death-list-published-families-of-disappeared-end-a-30-year-wait-for-news> (بازدید در تاریخ ۲۸ فوریه ی ۲۰۱۴). ر.ک. سازمان عفو بین الملل، نقض های حقوق بشر و آزادی های اساسی، شماره ی ایندکس عفو بین الملل: ASA 11/04/79، سپتامبر ۱۹۷۹ قابل دسترسی در:

<http://www.amnesty.org/en/library/asset/ASA11/004/1979/en/d497639c-6b61-499e-9057-aaa5a0edc617/asa110041979en.pdf>

ارتش افغانستان کار می کردند، این نیروها در تمامی وزارتخانه ها و سرویس های امنیتی حضور داشتند¹⁷. این مرحله از جنگ با عقب نشینی نیروهای شوروی در فوریه ۱۹۸۹ پایان یافت.

نقض هایی که در این دوره اتفاق افتاده اند تا حدی بهتر مستندسازی شده اند. وقتی که پناهندگان افغان در پاکستان و ایران ساکن شدند و سازمان هایی تاسیس و گزارش وضعیت حقوق بشر در افغانستان را آغاز کردند. مانند بسیاری از شرایط جنگی مشابه، در برخی موارد این کارها به گروه سیاسی خاصی وابسته بود که از این اطلاعات برای یافتن کمک های نظامی و بشردوستانه برای اپوزیسیون افغانستان به نام مجاهدین استفاده می کردند. خبرنگاران، محققان حقوق بشر و سازمان ملل متحد شروع به فرستادن هیئت هایی به پناهگاه های آوارگان کردند و به طور محدودی به داخل خود افغانستان کردند. قطعنامه ی ۱۹۸۴/۲۷ شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد مورخ ۲۴ می ۱۹۸۴¹⁸ گزارشگر ویژه ی حقوق بشر در افغانستان را منصوب کرد که شروع به نوشتن گزارش های منظم بر اساس بازدید های خود از اردوگاه های پناهندگان در پاکستان نمود و بالاخره در سال ۱۹۸۷ به وی اجازه ی بازدید از افغانستان داده شد. برخلاف دوره های اولیه ی جنگ گزارش های حقوق بشری این دوره شامل شهادت های دست اول قابل توجهی می گردند¹⁹. به طور مشخص گزارش ها درباره ی حقوق بشر در این دوره بر روی مصاحبه با پناهندگانی بود که وضعیتی را که منجر به فرار آن ها از کشور خود شده بود توصیف می کردند بخصوص بمباران مناطق روستایی و هم چنین سرکوب در مناطق شهری²⁰.

متأسفانه تنها این گزارش ها در دیتابیس پروژه ی مستندسازی افغانستان در دسترس هستند نه مصاحبه هایی که این گزارش ها بر اساس آن ها تنظیم شده اند. بعلاوه این گزارش ها به تجربه ی پناهندگانی که محققان به آن ها دسترسی داشته اند محدود می گردند. لازم به ذکر است که همه ی سازمان های حقوق بشری بزرگ که برای افغانستان گزارش تهیه می کردند در این دوره محققان خود را به پاکستان فرستادند اما نه به ایران که اجازه ی بازدید گزارشگر ویژه ی افغانستان را تا سال ۲۰۰۲ نداد²¹. بنابراین جای

17 اولیور روی اولین کسی است که دوره ی اول حزب دموکراتیک خلق افغانستان را با خمرهای سرخ مقایسه کرده است. ر.ک. اولیور روی، افغانستان: اسلام و مدرنیته ی سیاسی (پاریس: ادیسیون دو سوی، ۱۹۸۵)، ارجاع شده در گزارش نقشه برداری سازمان ملل، همان، پانویس شماره ی ۸، صفحه ۱۲

18 مرکز اسناد کامبوج، www.dccam.org

19 زارش نقشه برداری سازمان ملل، همان، پانویس شماره ی ۸، صفحه ی ۳۵

20 دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر، «وضعیت حقوق بشر در افغانستان» ارجاع شده در قطعنامه ی ۱۹۸۴/۲۷ شورای اقتصادی اجتماعی سازمان ملل متحد،

http://ap.ohchr.org/documents/dpage_e.aspx?m=78

21 ر.ک. هلینسکی واچ، اشک ها، خون و گریه ها: حقوق بشر در افغانستان از زمان تجاوز نظامی در سال ۱۹۷۹-۱۹۸۴، دسامبر ۱۹۸۴ {پس از این اشک ها، خون و گریه ها} قابل دسترسی در <http://www.hrw.org/reports/1984/12/01/tears-blood-and-cries>

تجربیات دو سوم پناهندگان افغان که پس از شروع جنگ در سال ۱۹۷۸ در ایران ساکن شده بودند، به طور گسترده ای آرشیو های شناخته شده خالی است.²²

گزارش سازمان های افغان حقوق بشر خارج از کشور از وقایع دهه ی ۸۰ تنها حقوق بشر را در بر نمی گیرد. برخی از این سازمان ها عبارتند از مرکز اطلاعات افغانستان و اتحادیه ی نویسندگان برای آزادی افغانستان که هر دوی آن ها به وسیله ی روشنفکران برجسته ی افغان تاسیس شده و به طور نسبی از گروه های مجاهدین مستقل بودند و یا از طرفداران شاه بودند.²³ این گروه ها تا حدودی در مورد معضلات حقوق بشری جمعیت پناهنده که در معرض خطر بیشتری از جانب گروه های سیاسی مستقر در پاکستان بودند نیز گزارش تهیه می کردند. هر چند بیشتر اسناد نوشته ی مرکز اطلاعات افغانستان و اتحادیه ی نویسندگان فاش نشده است، برخی از این اسناد این گروه ها ماخذ گزارش هایی است که در آرشیو پروژه ی مستندسازی حقوق بشر افغانستان وجود دارد.²⁴ یک گروه جدید تر به نام مرکز همکاری های افغانستان که در سال ۱۹۹۰ تشکیل شد گزارش های را در مورد نقض های حقوق بشر در دهه ی ۸۰ در کنار گزارش های خود در مورد توسعه تهیه کرد.²⁵ پروژه ی مستندسازی حقوق بشر افغانستان در حال کدگذاری این گزارش ها برای ورود به آرشیو در سال ۲۰۱۴ است. گزارش های حقوق بشری که وقایع دوران حزب دموکراتیک خلق افغانستان را در دوران اشغال شوروی مستندسازی کرده اند تقریباً به طور کامل بر نقض هایی که به دست حزب دموکراتیک خلق افغانستان و نیروهای شوروی در مناطق روستایی و یا به دست خدمات اطلاعات دولتی (خاد) ارتکاب یافته اند، متمرکزند. این گزارش ها جزئیات بسیاری از بازداشت های خودسرانه، شکنجه، شرایط بازداشت، بمباران بدون تبعیض و اقدامات تلافی جویانه علیه غیرنظامیان در بردارند که مشخصه ی این دوران هستند.²⁶ تنها پس از عقب نشینی نیروهای شوروی در سال ۱۹۸۸ بود که سازمان های حقوق بشری بین المللی و افغان شروع به مستندسازی نقضهای ارتکاب یافته به دست

22 ر.ک. اشک ها، خون و گریه ها، همان پانویس شماره ی ۲۱.
23 گزارش سازمان ملل متحد درباره ی وضعیت حقوق بشر در افغانستان،

۶، E/CN.4/2002/43 مارس ۲۰۰۱، صفحات ۱-۲

24 برای اطلاعات بیشتر در مورد وضعیت پناهندگان افغان در ایران: ر.ک. سازمان دیده بان حقوق بشر، مهمان های ناخوانده: نقض حقوق پناهندگان و مهاجرین افغان توسط ایران، شماره ی پرونده ۱۹۷۸-۶۲۳۱۲-۰۷۷۰، نوامبر ۲۰۱۲، صفحه ی ۱، قابل دسترسی در:

http://www.hrw.org/sites/default/files/reports/iran1113_forUpload.pdf

25 شاهدوست بودن به معنای ادامه ی طرفداری از نظام شاهنشاهی به ریاست ظهیرشاه بود که در سال ۱۹۷۳ از تخت سرنگون شد. برای اطلاعات بیشتر درباره ی کانون نویسندگان افغانستان: ر.ک. توماس راتینگ، «پروفیسور رسول امین از دنیا رفت»، شبکه ی تحلیلگران افغانستان، ۶ نوامبر ۲۰۰۹، <http://www.afghanistan-analysts.org/prof-rusul-amin-passed-away> ر.ک. زندگی طرفین، همان، پانویس ۱.

26 سازمان عفو بین الملل بولتن ماهانه ی مرکز اطلاعات افغانستان را به عنوان منبع آمار خود برای کشتارهای تلافی جویانه ی حزب دموکراتیک افغانستان و شوروی ذکر کرده است. ر. ک. گزارش نقشه برداری افغانستان، همان پانویس شماره ی ۸، صفحه ی ۶۴.

نیروهای مقاومت مستقر در پاکستان، در مناطق تحت کنترل خود در افغانستان کردند. این نقض‌ها شامل نقض حقوق بشردوستانه ی بین‌المللی بخصوص ماده ی ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو است که اعدام‌های اختصاری، شکنجه و رفتار غیرانسانی علیه افرادی که شرکتی در مخاصمه ندارند را منع می‌کند²⁷

دوره ی دولت اسلامی افغانستان (۱۹۹۲-۱۹۹۶)

پس از عقب‌نشینی نیروهای شوروی در سال ۱۹۸۹، دولت حزب دموکراتیک افغانستان که در آن موقع تحت رهبری پرزیدنت نجیب‌الله بود، ایدئولوژی کمونیستی خود را رها کرده و اسم خود را به «حزب «وطن» تغییر داد و سیاست آشتی ملی را در پیش گرفت²⁸. به رغم اصلاحات گفته شده، این حکومت همچنان به پشتیبانی‌های مالی شوروی وابسته بود که به طور ناگهانی در دسامبر ۱۹۹۱ با فروپاشی شوروی متوقف شد²⁹. پرزیدنت نجیب‌الله تنها چند ماه بعد اعلام کرد که به نفع دولت انتقالی که با میانجیگری سازمان ملل متحد تشکیل می‌شد، کناره‌گیری خواهد کرد³⁰. هر چند رویدادها در افغانستان بر دیپلماسی بین‌المللی پیشی گرفت، با این وجود دولت پرزیدنت نجیب‌الله در آوریل ۱۹۹۲ سقوط کرد³¹.

در طی ماه‌های بعدی، افغانستان بخصوص کابل عرصه ی جنگ‌های شدیدی بین گروه‌ها و شبه‌نظامیان رقیب مجاهدین شد³². این شرایط ناامن باعث کاهش نگهداری هر گونه سابقه و رکورد شد هر چند که سازمان‌های بشر دوستانه و برخی از روزنامه‌نگاران که به عملیات خود در افغانستان ادامه دادند، به مستندسازی نقض‌های جدی حقوق بشردوستانه کمک کردند. برخی از این اسناد در آرشیو پروژه ی مستندسازی افغانستان موجود است³³. بعلاوه با عقب‌نشینی شوروی علاقه ی جامعه ی بین‌المللی به

27 برای اطلاعات بیشتر در باره یمکرز تعاون افغانستان (متا):

<http://www.ccamazar.org>

28 برای مثال ر.ک. اشک‌ها، خون و گریه‌ها، همان پانویس ۲۱.

29 پس از عقب‌نشینی نیروهای شوروی از افغانستان، جنگ در افغانستان از یک مخاصمه ی بین‌المللی به یک جنگ داخلی مطابق تعریف حقوق بشردوستانه ی بین‌المللی تبدیل شد، بنابراین هم حکومت افغانستان و هم گروه‌های اپوزیسیون تحت ماده ی ۳ مشترک کنوانسیون ژنو که افغانستان هم در آن عضویت دارد، متعهد بودند. ر.ک. هلینسکی واچ/آسیا واچ، از سوی تمامی طرفین مخاصمه: نقض حقوق جنگ در افغانستان، مارچ ۱۹۸۸ {از این پس از سوی تمامی طرفین} قابل دسترسی در: <http://www.hrw.org/legacy/reports/1988/afghan0388.pdf>

30 برای اطلاعات بیشتر در مورد این دوره ی تاریخی: ر.ک. سایه انداختن، همان پانویس شماره ی ۱۰، صفحه ی ۴۸. ر.ک. گزارش نقشه برداری سازمان ملل، همان پانویس شماره ی ۸ صفحه‌های ۲۶ و ۱۴۲.

31 بازنت رایبن، تقسیم افغانستان، صفحات ۲۶۹-۲۷۱ (نیوهیون، نشریه ی دانشگاه ییل، ۱۹۹۵) ارجاع شده در گزارش نقشه برداری افغانستان، همان پانویس ۸ صفحه ی ۲۰۷.

32 شرح این وقایع: ر.ک. گزارش نقشه برداری افغانستان، همان پانویس ۸ صفحه ی ۲۰۷ برای توضیح روند جنگ در این دوره: ر.ک. سایه انداختن، همان پانویس شماره ی

33 صفحات ۶۱-۶۲ و گزارش نقشه برداری افغانستان، همان پانویس شماره س ۹، صفحات ۲۰۶-۲۰۸. ر.ک. سازمان دیده بان حقوق بشر، دست‌های خون‌آلود: قساوت‌های گذشته

این مخاصمه ی مسلحانه بسیار کمتر شد و کشورهای اندکی سفارت های خود را در کابل باز نگه داشتند. هر چند سازمان های پناهندگان افغان مستقر در پاکستان مانند مرکز همکاری های افغانستان کار نظارت را دنبال کردند. وقایع مهم این دوران عبارتند از بمبگذاری های بدون تبعیض، تجاوز، گروگانگیری، اعدام اختصاری بازداشت شدگان که تقریباً تمامی طرفین مخاصمه در این نقض ها شرکت داشتند.³⁴

دوره ی امارت اسلامی افغانستان (۱۹۹۶-۲۰۰۱)

در سال ۱۹۹۴ طالبان که از مجاهدین سابق تشکیل شده بود از دل هرج و مرجی که پس از عقب نشینی شوروی افغانستان را در بر گرفته بود، بیرون آمد.³⁵ طالبان با بهره مندی از پشتیبانی پاکستان و عربستان سعودی به قدرت نظامی نیرومندی تبدیل شد که کنترل کابل را در سال ۱۹۹۶ و بیشتر بقیه ی افغانستان را تا سال ۱۹۹۹ به دست گرفت. توجه جهانی به افغانستان پس از ظهور اسامه بن لادن در این کشور در سال ۱۹۹۷ افزایش یافت. هم چنین امنیت نسبی کابل و بقیه ی شهرها گزارش وضعیت کشور را برای خبرنگاران و سایر ناظرین ممکن کرد. بعلاوه طالبان رفتار خشن طالبان با زنان توجه رسانه ها را به خود جلب کرد³⁶ هر چند مشکل امنیت و دسترسی به برخی مناطق همچنان پای برجا بود. هر چند ارتباطات بهبود یافته بود، فاش نشدن کشتارهایی که در مناطق دورافتاده صورت گرفته بود تا مدت ها پس از ارتکاب، تحقیق درباره ی آن ها را دشوار می کرد. نقض های مهم این دوران عبارتند از اعدام های اختصاری شامل چندین کشتار وسیع، شکنجه و محدودیت هایی بود که توانایی زنان را در کارکردن و دسترسی به آموزش و خدمات درمانی محدود می کرد.³⁷

پس از ۲۰۰۱: بهبود مستندسازی و ادامه ی الگوهای نقض حقوق بشر و بشردوستانه

بالاخره پس از مداخله ی نظامی ایالات متحده در افغانستان در سال ۲۰۰۱، تعدادی از سازمان ها شروع به مستندسازی نقض های ادامه دار حقوق بشر و بشردوستانه کردند. هر چند این سازمان ها به تمامی مناطق افغانستان دسترسی ندارند اما موفق به گزارش انواع زیادی از نقض ها شامل بازداشت خودسرانه و شکنجه هم توسط نهادهای دولتی افغانستان و

در کابل و میراث مصونیت و بی کیفی در افغانستان، شماره ی ۱-۵۶۴۳۲-۳۳۴-۷، X جولای ۲۰۰۵.

34 از سوی تمامی طرفین، همان، پانویس شماره ی ۲۹.

35 از سوی تمامی طرفین، همان، پانویس شماره ی ۲۹، صفحات ۱۳-۱۵.

36 ظهور طالبان به تفصیل در اینجا توضیح داده شده است: گزارش نقشه برداری سازمان

ملل متحد، همان پانویس ۸، صفحه ی ۲۴۱-۲۴۷.

37 مولف این تاریخچه را در اینجا توضیح داده است: سایه انداختن، همان، پانویس شماره

ی ۱۰، صفحه ی ۱۱۸-۱۲۰، گزارش نقشه برداری سازمان ملل متحد، همان، پانویس

شماره ی ۲۴۲-۲۴۶.

هم نیروهای متحد و هم چنین اعدام‌ها و کشتارهای انجام شده توسط نیروهای شورشی شده‌اند. سازمان‌های غیردولتی افغان و بین‌المللی، بنگاه‌های دولتی افغانستان و سازمان ملل متحد هم چنین به تفصیل دست به مستندسازی این نقض‌ها زده‌اند. بسیاری از گزارش‌های آنان در آرشیو پروژه‌ی مستندسازی افغانستان وجود دارد³⁸.

موارد مستندشده‌ی شکنجه و سوء رفتار در افغانستان

در طول ۲۶ سال جنگ، بیشتر نخبگان تحصیلکرده‌ی افغانستان یا به وسیله‌ی جوخه‌های مرگ پلیس مخفی از بین رفتند یا به تبعید دائم فرستاده شدند. آن‌هایی که توانایی مستندسازی اتفاقاتی که در کشور افتاده بود را داشتند همان‌هایی بودند که احتمال کشته شدنشان بیشتر از بقیه بود. آن‌هایی که کشته نشدند نیز فرار کردند. امروزه بیشتر گزارش‌های حقوق بشری همچنان به وسیله‌ی گروه‌های بین‌المللی انجام می‌گیرد اما تلاش افغان‌ها در این مورد قدرت بیشتری گرفته است. هر چند که توانایی مستندسازی بیشتر شده است، بیشتر انواع نقض‌ها هر چند نه به اندازه‌ی دوران جنگ، اما هم چنان ادامه دارد³⁹.

این نقض‌ها به هیچ‌عنوان به وخامت شوروی و دولت حزب دموکراتیک خلق افغانستان برای به دست گرفتن کنترل افغانستان از طریق شبکه‌ی اطلاعاتی در شهرها و کارزار نظامی در مناطق روستایی در اوایل دهه‌ی ۸۰ نرسیده است. چیزی که ادامه پیدا کرده است شیوع شکنجه و سایر انواع خشونت‌های فیزیکی و روحی و سوء رفتار با زندانیان است.

شکنجه و سوء رفتار قبل از ۱۹۷۸

مسئله آغاز مخاصمه در سال ۱۹۷۸ آغازگر شکنجه در افغانستان نبود. قانون اساسی افغانستان صراحتاً بازداشت خودسرانه و شکنجه را ممنوع و مقرر داشته بود که از این گونه رفتارها باید پیشگیری شود. به طور مشخص اصل ۱۰ مقرر می‌داشت:

«حدیث شخصیه از هر گونه تعرض و مداخلت مصون است هیچ کس بدون امر شرعی و مقامات تحت توقیف قرار گرفته و مجازات کرده نمی‌شوند. در افغانستان اصول اسارت بالکل موقوف است و از زن و مرد هیچ کس دیگری را به طور اسارت استخدام کرده نمی‌تواند⁴⁰»

38 مقایسه‌ی وضعیت امروز افغانستان با تلاش‌های دوره‌ی اول حزب دموکراتیک خلق افغانستان برای حذف اپوزیسیون از طریق ناپدید‌شدن‌های اجباری گسترده و یا بمباران‌های وسیع در سال‌های اولیه‌ی اشغال شوروی، وارد نیست. ر.ک. گزارش نقشه برداری سازمان ملل متحد، همان پانویس ۸، صفحات ۱۲، ۴۱-۵۰

39 همان، صفحه‌ی ۱۶

40 همان، صفحات ۱۵-۱۶

بعلاوه ماده ی ۲۴ مقرر می داشت:

«شکنجه و انواع دیگر زجر تماما موقوف است و خارج از نظامنامه ی جزای عمومی و عسکریه برای هیچ کس مجازات داده نمی شود»⁴¹.

پس از شورش اعضای قبیله ی منگال در سال ۱۹۲۴ و تقاضای سران قبیله مبنی بر این که هر قانونی که به وسیله ی شاه امان الله گذاشته می شود به تصویب سران مذهبی برسد، قانون اساسی افغانستان اصلاح شد تا نگرانی های این افراد برطرف شود. بنابراین در آخر ماده ی ۲۴ به این ترتیب اصلاح گردید:

«مگر در مورد مجازات هایی که در تطابق با قوانین شریعت و یا سایر قوانین عمومی باشند که خود در تطابق با شریعت تدوین شده اند»⁴².

اطلاعات ما در مورد این که این مواد قانون اساسی در عمل چقدر خوب رعایت شدند، محدود است. این ها بخشی از تلاش های وسیع تر و بسیار مناقشه برانگیز امان الله برای اصلاحات بودند که به کناره گیری و تبعید وی در سال ۱۹۲۹ ختم شد. پسرعموی امان الله و جانشین وی نادرشاه در سال ۱۹۳۱ قانون اساسی دیگری را منتشر کرد که حتی از قانون قبلی در مورد شکنجه صریح تر بود. ماده ی ۹ این قانون اساسی مقرر می داشت که «زجر و سایر انواع شکنجه تماما موقوف است»⁴³.

نادرشاه در سال ۱۹۳۳ ترور شد و پسرش، ظاهر شاه جانشین وی گردید که تا سال ۱۹۷۳ بر تخت نشست. در سال ۱۹۶۴ ظاهر شاه قانون اساسی جدیدی را منتشر کرد که ممنوعیت شکنجه را به تفصیل توضیح می داد و شامل ماده ای می شد که اقرار به دست آمده تحت شکنجه را در دادگاه فاقد اعتبار می دانست. به طور مشخص ماده ی ۲۶ قانون اساسی سال ۱۹۶۴ مقرر می کرد:

«هیچ کس را نمی توان توقیف نمود مگر بر طبق حکم محکمه با صلاحیت و مطابق به احکام قانون. برائت ذمه حالت اصلی است، متهم تا وقتی که به حکم قطعی محکمه محکوم علیه قرار بگیرد بی گناه شناخته می شود. جرم يك امر شخصی است، تعقیب، گرفتاری یا توقیف متهم و تطبیق جزا به او به شخص دیگری سرایت نمی کند. تعذیب انسان جواز ندارد، هیچ کس نمی تواند حتی به مقصد کشف حقایق از شخص دیگری اگر آن شخص تحت تعقیب، گرفتاری یا توقیف و یا محکوم به جزا باشد به تعذیب او اقدام کند یا امر بدهد. تعیین جزایی که مخالف کرامت انسانی باشد جواز ندارد. اظهاری که از

41 قانون اساسی ۱۹۳۳ افغانستان

42 همان

43 ضمیمه ی ب: مشرو + اصلاحات ۸ دلو ۱۳۰۳ قانون اساسی سال ۱۳۰۴

متهم یا شخص دیگر به وسیله اگراه بدست آورده می‌شد اعتبار ندارد.⁴⁴»

به رغم توسعه ی تضمین های قانون اساسی علیه شکنجه، شواهد چندانی در تاریخ افغانستان وجود ندارد که نشان بدهد این تضمین ها چیزی بیش از تعهدات صرفا روی کاغذ بوده باشند، بخصوص در مورد بازداشتگاه های کشور در آن زمان. پرزیدنت داوود خان که در سال ۱۹۷۳ با یک کودتای بدون خونریزی ظاهرشاه را عزل کرد با کمک ساواک (پلیس مخفی شاه ایران برای سرکوب چپ ها که در ابتدا برای به دست گرفتن قدرت به او کمک کرده بودند) پلیس مخفی خود را سازماندهی کرد⁴⁵. دیوید ادوارد که با رهبران اسلام گرا در اوایل دهه ی ۷۰ مصاحبه کرده بود، گزارش کرده است که سازمان های مسلمان نیز هدف قرار می گرفتند⁴⁶. بنابراین همان طور که برنت رابین می گوید:

«ما نباید در مورد افغانستان قبل از ۱۹۷۸ خیالبافی کنیم. زندانیان افغان تنبیه می شدند و بازجویان اگر می فهمیدند که قانون اساسی از سال ۱۹۲۳ شکنجه را ممنوع کرده، متعجب می شدند. پلیس فاسد و خشن بود. اما انقلاب سال ۱۹۷۸ خشونت را به میزان و وخامتی به دنبال آورد که از تشکیل افغانستان مدرن در آخرین سال های قرن نوزدهم تا آن هنگام دیده نشده بود.⁴⁷»

شکنجه در دوران حزب دموکراتیک افغانستان (۱۹۷۸-۱۹۷۹)

حزب دموکراتیک افغانستان به فرماندهی تارکی و امین از شکنجه هم برای تنبیه زندانیان مشکوک به مخالفت با رژیم و هم به عنوان ابراز بازجویی استفاده می کرد⁴⁸. گزارش نقشه برداری سازمان ملل متحد گزارش زیر را از روش های استفاده از شکنجه در آن زمان ارائه می دهد:

«شهادت ها متفق القولند که زندانیان طی بازجویی و هم چنین به عنوان تنبیه شکنجه می شدند و این که تنبیه شامل استفاده از شکنجه به عنوان روش اعدام دردناک بود و شرایطی که حکومت زندانیان را در آن نگهداری می کرد مخصوصا در زندان پلچرخی به طور منحصر به فردی دردناک، تهدید کننده

44 قانون اساسی ۱۳۱۰ افغانستان

45 قانون اساسی افغانستان، ۹ میزان ۱۳۴۳

46 م. حسن حکار، تجاوز شوروی و پاسخ افغانستان سال های ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۲ (برکلی: نشریه ی دانشگاه کالیفرنیا، ۱۹۹۵)

<http://vserver1.cscs.lsa.umich.edu/~crshalizi/reviews/kakar-soviet-invasion>

47 از سوی تمامی طرفین، همان پانویس شماره ی ۱.

48 برنت آر، رابین، «عدالت انتقالی در افغانستان»، سخنرانی در یادبود آنتونی هایمن، دانشگاه شرق شناسی و مطالعات آفریقا، دانشگاه لندن، ۳ فوریه ی ۲۰۰۳، صفحه ی

۲. <http://www.soas.ac.uk/ccac/events/anthonyhyman/file25446.pdf>

ی حیات، تحقیرآمیز و خوارکننده بود.⁴⁹»

علاوه بر آن در گزارش ۱۹۸۶ گزارشگر ویژه ی سازمان ملل برای افغانستان، پروفیسور فلیکس ارماکورا رفتار با زندانیان در دوره ی بین ۱۹۷۸-۱۹۷۹ این گونه توصیف شده است:

«افراد متعددی به گزارشگر ویژه گزارش هایی از سوء رفتار در طول دوران بازداشت شامل محرومیت از خواب، کشیدن ناخن، سوزاندن به راه های مختلف، شوک الکتریکی و در برخی موارد استفاده از ژنراتور های الکتریکی، ارائه کرده اند.⁵⁰» همچنین گزارش نقشه برداری سازمان ملل عنوان می کند که عزیزالله لودین کسی که در سال ۲۰۰۳ رییس کمیسیون ضد فساد دولت بود به پروفیسور ارماکورا در سال ۱۹۸۵ گفت که به طور مرتب با یکی از این روش ها شکنجه می شده است.⁵¹ لودین همچنین توضیح می دهد که شاهد شکنجه ی سید عبدالله کاظم، رییس سابق دانشکده ی اقتصاد دانشگاه کابل بوده است که در سال ۱۹۷۸ به همراه لودین دستگیر شد و «انگشتان دو دست او زیر پایه های صندلی که دو تن از شکنجه گرانش روی آن نشسته بودند خرد شده بود.»⁵²

عاقبت سازمان عفو بین الملل در سال ۱۹۷۹ گزارش کرد که «تعداد معنی داری ادعا از سوی زندانیان سیاسی دریافت کرده است که تحت شکنجه قرار گرفته بودند... آن ها نگرانی خود را از فلج شدن زندانیان و مرگ آن ها در نتیجه ی شکنجه ابراز کرده بودند.»⁵³ یک شاهد به سازمان عفو بین الملل خبر داد که یک وزیر سابق در زندان پلچرخ می نگهداری می شود که خون از دهان وی جاریست.⁵⁴ سازمان عفو بین الملل هم چنین «ادعاهای خاصی

49 علاوه زندانیان مورد سایر انواع رفتار غیرانسانی قرار می گرفتند. هزاران نفر در زندان های شلوغ بدون غذای کافی و یا مراقبت های پزشکی نگهداری می شدند. هیچ کس نمی داند چند صد نفر یا چند هزار نفر از بیمارهای مختلف جان سپردند. در سپتامبر ۱۹۷۹، سازمان عفو بین الملل تخمین زد که زندان پلچرخ دوازده هزار زندانی را در خود جای داده است. «در نتیجه ی همین، زندانیان این قدر زیاد بودند که بیشتر مواقع جای نشستن و یا دراز کشیدن نداشتند. بیماری شایع بود؛ بیماری های تنفسی در زمستان و بیماری ها یگوترشی در تابستان. غذا کم و فاسد بود. اما بزرگ ترین راه تحقیر به وسیله ی زندانبانان جلوگیری از رفتن زندانیان به توالی بود که در بیرون بند قرار داشت.» سازمان عفو بین الملل، نقض حقوق بشر و آزادی های اساسی در جمهوری دموکراتیک افغانستان، شماره ی ایندکس ۱۱/۰۴/۷۹، سال ۱۹۷۹ ارجاع شده در گزارش نقشه برداری افغانستان، پانویس شماره ی ۸ صفحه ی ۲۶. هر چند که شرایط زندان ذاتا رفتار بیحرمانه و غیرانسانی تلقی نمی شود، شهادت هایی در دست که از این شرایط برای ایراد درد و تحقیر در حق زندانیان استفاده می شده است.

50 گزارش نقشه برداری سازمان ملل، همان پانویس شماره ی ۸، صفحه ی ۲۴

51 همان، صفحات ۲۴-۲۵

52 همان

53 همان، صفحه ی ۲۵

54 نقض حقوق بشر و آزادی های اساسی در افغانستان، همان پانویس شماره ی ۵، صفحه ی ۱۳

دریافت کرده است که زندانیان سیاسی در اثر شکنجه مرده اند.⁵⁵ «روش های شکنجه شامل «کتک شدید، شلاق، کشیدن ناخن زندانیان، سوزاندن مو و محرومیت از خواب است. برخی گزارش ها حاکی از این است که به زندانیان سیاسی شوک الکتریکی داده شده است.»⁵⁶

مسلمانان قربانیان شکنجه ای که سرگذشت آن ها به وسیله ی محققان حقوق بشر ضبط شده است تنها بخشی از کسانی را که در آن سال ها مورد شکنجه قرار گرفته اند نشان می دهند، بیشتر قربانیان شکنجه جز ده ها هزار نفری هستند که به طور اجباری ناپدید شده اند. کسانی که در آن زمان دستگیر شدند کسانی بودند که حزب دموکراتیک خلق افغانستان آنان را مانع تغییر دولت افغانستان تلقی می کرد: اسلام گرایان، روحانیون، شیوخ و بقیه ی نخبگان مذهبی، سران قبایل، مائوئیست ها و سایر چپ گراها به غیر از حزب دموکراتیک خلق افغانستان و رهبران جوامع مختلف قومی.⁵⁷

خاد: شکنجه نظام مند می شود (۱۹۸۰-۱۹۹۲)

در دسامبر ۱۹۷۹، نیروهای شوروی به دولت حفیظ الله امین خاتمه دادند و ببرک کمال را به جای وی به ریاست جمهوری منصوب نمودند. بنا بر گزارش نقشه برداری سازمان ملل متحد، دولت جدید برخلاف سلف خود، به طور گسترده ای تحت کنترل شوروی سابق بود. در واقع، نیروهای نظامی شوروی به زودی به ۱۰۰ هزار نفر رسیدند و مشاورانی از شوروی در کلیه ی وزارتخانه را حضور داشتند.⁵⁸ این گزارش ادامه می دهد:

بعلاوه کا. گ. ب. یک سازمان جدید افغان را بر اساس مدل خود بنیان نهاد که کارکرد های داخلی و بین المللی را با پلیس مخفی و پنهان کاری را با هم ادغام می کرد. این سازمان جدید خدمات اطلاعات دولتی نام گرفتن که با حرف اختصاری خود به خاد معروف بود. رهبر بنیان گذار آن نجیب الله نام داشت.⁵⁹

دکتر نجیب الله فارغ التحصیل دانشکده ی پزشکی دانشگاه کابل بود که به شاخه ی پرچم حزب دموکراتیک افغانستان تعلق خاطر داشت. او تا سال ۱۹۸۶ رییس خاد باقی ماند تا هنگامی که جانشین ببرک کمال، رییس دولت شد.⁶⁰

شکنجه به وسیله ی ماموران خاد به طور وسیعی مستندسازی شده است.

55 همان

56 همان

57 همان

58 سایه انداختن، همان پانویس شماره ی ۱۰، صفحه ی ۳ و گزارش نقشه برداری سازمان

ملل، همان پانویس شماره ی ۸، صفحات ۱۵-۲۱

59 ویلیام مالی، جنگ افغانستان، صفحات ۲۵-۳۱ (لندن: پاگربو مک میلان ۲۰۰۳) از جاع

شده در گزارش نقشه برداری سازمان ملل، همان پانویس شماره ی ۸، صفحه ی ۹

60 گزارش نقشه برداری سازمان ملل، همان پانویس شماره ی ۸، صفحه ی ۲۵

برای مثال گزارشگر ویژه ی افغانستان، اماروکا در گزارش سال ۱۹۸۵ خود توضیح می دهد: «شکنجه ی مخالفان سیاسی رژیم معمول بوده و تقریباً در رویه ی اداری مفروض است.»⁶¹

با تاسیس خاد در سال ۱۹۸۰، شکنجه در افغانستان به جزئی ثابت در دستگاه امنیتی تبدیل شد. در واقع سازمان عفو بین الملل گزارش کرد که «هر چند این سازمان گزارش هایی از شکنجه از سوی سه دولت پس از انقلاب ثور ۱۳۵۷ دریافت کرده بود، تنها پس از تشکیل خاد بود که اعمال شکنجه حالت سیستماتیک به خود گرفت»⁶².

بنابر گزارش گزارشگر ویژه، شکنجه در تعدادی از بازداشتگاه هایی که به وسیله ی خاد اداره می شد مانند وزارت داخله و تمام زندان های کابل و بقیه ی بازداشتگاه های اقصی نقاط کشور صورت می گرفت. به همین ترتیب گزارش نقشه برداری سازمان ملل نقاطی را درون کابل که شکنجه در آن ها انجام می گرفت، مشخص می کند مانند مرکز فرماندهی خاد در صدارت که شامل یک دفتر مرکزی بازجویی، ۸ بازداشتگاه و ۲۰۰ خانه مختص به شکنجه بود.⁶³

هم دیده بان حقوق بشر و هم سازمان عفو بین الملل گزارش هایی با شهادت مفصل بازماندگان شکنجه در این دوره منتشر کرده اند.⁶⁴ بعلاوه با کمک سازمان عفو بین الملل، دکتر محمد اعظم دادفر، یک رانپزشک فارغ التحصیل از کشور آلمان، کلینیکی در پیشاور برای درمان قربانیان پیشین شکنجه برای اختلال استرس پس از ضربه ی روحی و سایر بیماری ها تاسیس کرد. دکتر دادفر بعدها یافته هایش را از تجربیات خود با این بیماران منتشر نمود.⁶⁵ در نهایت، پروژه ی عدالت برای افغانستان با تعدادی از این افراد که در این دوران زندانی و شکنجه شده بودند، مصاحبه کرد.⁶⁶ این گزارش ها و بقیه ی چیز ها مشخص می شود که بسیاری از این بازداشت

61 مجمع عمومی سازمان ملل متحد، گزارش شورای اقتصادی و اجتماعی، «وضعیت حقوق بشر در افغانستان» (A/40/843 ۱۹۸۵)

62 سازمان عفو بین الملل، پرونده ی شکنجه، شماره ی ایندکس ۱۲/۱۲/۸۴، ۱۹۸۴

63 گزارش نقشه برداری سازمان ملل، همان پانویس شماره ی ۸، صفحه ی ۱۳۴. این مراکز برای مقاصد امنیتی در طول رژیم های بعدی استفاده شدند. تا سال ۲۰۱۳ اداره ی امنیت ملی دولت کوزای در ساختمان صدارت در مرکز کابل دفتر داشت.

64 برای مثال: ر.ک. پرونده ی شکنجه، همان پانویس شماره ی ۶۲، و اشک ها، خون و گریه ها، همان پانویس شماره ی ۲۱. در مقایسه با دوران اولیه ی جمهوری دموکراتیک خلق افغانستان را با در دوره ی تارکی و امین افرادی بیشتری از این دوران زنده مانده اند که سرگذشت خود را تعریف کنند.

65 محمد اعظم دادفر، ذهن ناتوان (پیشاور، مرکز روانپزشکی افغانستان، ۱۹۹۰) و محمد دادفر، قربانیان شکنجه در افغانستان» یک دهه تبدیل شدن به شوروی، صفحات ۱۴۱-

۱۵۷ (سید محمد یوسف علمی، ویراست. مرکز ترجمه ی کار جهاد افغان، ترجمه.

پیشاور ۱۹۸۸). دکتر دادفر به سمت رییس لویی جرگه های اضطراری و قانون اساسی در سال ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ انتخاب شد. از سال ۲۰۱۳ دکتر دادفر رییس وزارت آموزش عالی

گردیده است. <http://mohe.afghanistan.af/en/page/307>

66 سایه انداختن، همان پانویس شماره ی ۱۰، صفحه ی ۲۵-۴۱.

ها در حملات شبانه‌ی ماموران خاد که با نیروهای امنیتی افغانستان کار می‌کردند برای تفتیش خانه‌ی افرادی که مظنون به طرفداری از اپوزیسیون بودند، صورت می‌گرفت.⁶⁷ به عبارت دیگر، پسران و مردان هنگامی که بیرون از منزل خود در خیابان دستگیر می‌شدند، ماموران آنان را در راه بازگشت از مدرسه یا بازار متوقف کرده و برای بازجویی برده می‌بردند.⁶⁸

تمامی زندانیان سیاسی که در خاد مورد بازجویی قرار گرفته بودند بدون استثنا شکنجه شدند. سازمان عفو بین‌الملل الگوی شکنجه را این گونه توصیف می‌کند:

مراکز بازجویی مرکزی و محلی خاد در کابل وجود دارد و یک مرکز یا بیشتر در شهرستان‌ها. از مواردی که به عفو بین‌الملل گزارش شده، بیشترین ادعای شکنجه در دو مرکز در کابل یعنی شاشدارک و صدارت اتفاق افتاده است. الگویی که بیشترین تکرار را داشته است به این صورت بوده که افرادی که بازداشت می‌شدند ابتدا به پایگاه فرماندهی خاد و مراکز اولیه‌ی بازجویی در شاشدارک برای بازجویی اولیه برده و متعاقباً به دفاتر مرکزی بازجویی در صدارت برای بازجویی در طولانی مدت انتقال می‌یافتند که این دوره ممکن بود تا چندین ماه به طول بیانجامد.⁶⁹

زندانیان خبر از انواع متعددی از وسایل برای ضرب و شتم و راه‌های مختلف سوء رفتار می‌دهند. بسیاری از زندانیان گزارش داده‌اند که از خواب محروم شده و از آنان خواسته شده که مدت‌های طولانی روی پا بایستند. در سایر موارد نیز تاثیر این رفتارها با چیزهایی مانند در معرض آفتاب قرار دادن یا ایستادن در برف و آب بدتر می‌شد... برخی زندانیان گزارش کرده‌اند که صرفاً با شوک الکتریکی تهدید شده‌اند اما به بسیاری دیگر ظاهراً به طور مرتب در مراحل اولیه و هم‌چنین در مراحل بعدی بازجویی واقعا شوک الکتریکی داده شده است. معمول‌ترین وسیله‌ی شکنجه با شوک الکتریکی «تلفن» نام دارد؛ یک ماشین کوچک که شبیه یک تلفن مدل قدیمی است با سیم‌هایی که به بدن قربانی و به دسته‌ای وصل می‌شوند که می‌شود آن را چرخاند یا کشید که جریان الکتریسیته را متصل کند... چندین شکل دیگر از آزار شدید بدنی گزارش شده است. این گزارش‌ها شامل فرو کردن یک بطری یا سیم داغ به درون مقعد زندانی، کشیدن ناخن‌ها یا فرو کردن سوزن زیر آن‌ها، بریدن با چاقو، گذاشتن صندلی روی معده یا دست‌ها و نشستن بر روی آن، سوزاندن با سیگار، سوزاندن با آب بسیار داغ یا کندن مو است. چندین زندانی گزارش کرده‌اند که مجبور به خوردن یا نوشیدن تا حد استفراغ شده یا از ادرار و مدفوع آن‌ها گاهی با بستن نخ به دور آلت تناسلی جلوگیری

67 اشک‌ها، خون و گریه‌ها، همان پانویس شماره‌ی ۲۱، صفحه‌ی ۱۳۰
68 سازمان عفو بین‌الملل، شکنجه‌ی زندانیان سیاسی، شماره ایندکس 11/04/86، نوامبر

۱۹۸۶، صفحات ۹ و ۱۰

69 همان، صفحه‌ی ۶

شده است⁷⁰. در سال ۱۹۷۸، کمیته ی بین المللی صلیب سرخ دفتری در کابل افتتاح کرد و شروع به بازدید از زندان ها نمود. این بازدیدها از زندان های بدنامی مانند پلچرخ و ظهور سیاست آشتی ملی پرزیدنت نجیب الله در سپتامبر ۱۹۷۸ در کم شدن موارد شکنجه تاثیر داشت⁷¹. هر چند رفتار با کسانی که در رابطه با کودتای تنای در مارس ۱۹۹۰ دستگیر شدند، استثنا بود⁷². گزارشگر ویژه ی سازمان ملل، عفو بین الملل و دیده بان حقوق بشر گزارش هایی دریافت نمودند که برخی از این زندانیان شکنجه شدند و آشکار گردید که حداقل یکی از آن ها در اثر شکنجه مرد⁷³.

شکنجه از سوی نیروهای مقاومت افغانستان (۱۹۸۰-۱۹۹۲) در دوره ی مقاومت علیه اشغال شوروی، بسیاری از فرماندهان مجاهدین نیروهای مسلح های اسیر شده را مانند افراد نیروهای رقیب مجاهد زندانی کرده و آنان را به منظور بازجویی و هم چنین مبادله نگهداری کردند. برخی از گروه های مجاهدین هم چنین غیرنظامیان را مانند پناهندگان افغان که مظنون به مخالفت با سیاست ها یا گروه آنان بودند، به عنوان زندانی نگه می داشتند. بنابراین گزارش سازمان عفو بین الملل، شکنجه های اعمال شده توسط این گروه ها گاهی اوقات به اعتراف دروغین به گناه منجر می شد و مظنونین به جاسوسی توسط دادگاه های اسلامی به مرگ محکوم شده و اعدام می شدند⁷⁴.

دیده بان حقوق بشر برخی از این زندان ها را که به وسیله ی احزاب شورشی استفاده می شد، توصیف کرده است. یکی از شناخته شده ترین آن ها شمشو، یک مرکز مستقر در پاکستان بود که به وسیله ی گلبدین حکمتیار، یکی از فرماندهان مجاهدین برای بازداشت هم مردان و هم زنان استفاده می شد. بنابراین گزارش دیده بان حقوق بشر، شکنجه در شمشو «معمول و شامل ضرب و شتم شدید و استفاده از شوک الکتریکی گزارش شده است»⁷⁵ سرویس های امنیتی احزاب شورشی هم چنین دست به ربودن پناهندگان افغان در پاکستان زدند⁷⁶. بعلاوه سرویس امنیتی پاکستان،

70 همان، صفحه ی ۱۱-۱۵

71 گزارش نقشه برداری افغانستان، همان پانویس شماره ی ۸، صفحه ی ۱۴۲

72 گزارش نقشه برداری افغانستان، همان پانویس شماره ی ۸، صفحه ی ۱۴۲، ر.ک. مجمع عمومی سازمان ملل متحد، گزارش شورای اقتصادی و اجتماعی، «وضعیت حقوق بشر در افغانستان» (۱۹۹۰، A/45/664)، پاراگراف ۵۲

73 مجمع عمومی سازمان ملل متحد، گزارش شورای اقتصادی و اجتماعی، «وضعیت حقوق بشر در افغانستان» (۱۹۹۰، A/45/664)، پاراگراف ۵۲، سازمان عفو بین الملل، گزارش شکنجه و زندان های بلندمدت بدون محاکمه، شماره ی ایندکس ۱۱/۰۱/۹۱، ۱۹۹۱، صفحه ی ۴

74 آسیا واچ، افغانستان: جنگ فراموش شده: نقض های حقوق بشر و حقوق جنگ از زمان عقب نشینی شوروی، ۲۰۰۱، صفحات ۱۰۱-۱۰۸

75 همان، صفحات ۱۰۱-۱۰۲. این گزارش شهادت هایی را به طور مشخص از شکنجه در شمشو در بر می گیرد. می توان فرض کرد که شکنجه در سایر مراکز نیز اتفاق افتاده اند.

به نام اینترسرویس اینتلیجنس پناهندگان افغان را که تشخیص می داد با یکی از گروه های مجاهدین مستقر در پیشاور در ارتباط هستند، زندانی کرده و بنابر شواهدی که سازمان عفو بین الملل به دست آورده به گِرد های مجاهدین تحویل می داد که آن ها متعاقبا شکنجه می شدند.⁷⁷

زندان های مجاهدین همچنین در داخل افغانستان وجود داشتند. بنابر مصاحبه ی یک شاهد درباره ی رویه ی بازداشت های مجاهدین در دهه ی ۸۰، حزب شورای نظر یک بازداشتگاه را در لجدی در منطقه ی فرخ استان تخار اداره می کرد. این بازداشتگاه بین ۱۹۸۳ تا ۱۹۹۲ فعال بود.⁷⁸ شهادت های معتبر حاکی از این هستند که مقامات بازداشتگاه لجدی به طور نظام مند از شکنجه به عنوان وسیله ای برای بازجویی زندانیان سیاسی و امنیتی در زندان استفاده می کردند.⁷⁹ در حقیقت پروژه ی عدالت برای افغانستان روش های زیر را که در لجدی استفاده شده مستند کرده اند:

۱. آویزان کردن زندانی از دست از یک جفت حلقه ی آهنی که به سقف متصل بود. ۲. ضرب و شتم معمولاً با باتوم چوبی. ۳. شوک الکتریکی ۴. محرومیت از خواب و غذا. ۵. حبس در قفس ۶. آزار جنسی و ۷. شکنجه ی روحی به این معنا که جلسات شکنجه در طول شب صورت می گرفت و زندانی مجبور بود به صداهای شکنجه شدن افراد گوش کند.⁸⁰

ادامه ی شکنجه و رفتار غیرانسانی با زندانیان در دولت اسلامی افغانستان (۱۹۹۲-۱۹۹۶)

شوروی نیروهای خود با مطابق با توافقنامه ی ژنو در سال ۱۹۸۸ از افغانستان بیرون کشید. پس از عقب نشینی شوریدر دوره ی پرزیدنت نجیب الله حزب دموکراتیک خلق افغانستان مشی خود را رها کرد و پاره ای اصلاحات را اجرا نمود. نقض های حقوق بشر و بشردوستانه هر چند نه در سطح قبلی اما همچنان ادامه پیدا کرد. فروپاشی شوروی در اواخر سال ۱۹۹۱ به تلاش های سازمان ملل برای یافتن راه حل سیاسی برای مخاصمات افغانستان فوریت بخشید. اما با وجود این که سازمان ملل به دنبال توافق بین احزاب افغان بر سر راه انتقال قدرت بود بقیه ی مجاهدین و نیروهای شبه نظامی خود را آماده ی استفاده از خلا قدرت پیش بینی شده می کردند. در ۲۵ آوریل ۱۹۹۲ نیرویی تازه تاسیسی به نام «اتحاد شمالی» که متشکل از مجاهدین غیرپشتون و شبه نظامیان حوکت سابق از شمال افغانستان بود، وارد کابل شدند. آن هایی که تحت کنترل احمدشاه مسعود بودند کنترل موسسات مهم امنیتی دولت مانند خاد و وزارت امنیت دولتی (واد) را به دست گرفتند. بقیه ی مجاهدین و نیروهای شبه نظامی که بیشتر

77 همان

78 سایه انداختن، همان پانویس شماره ی ۱۰، صفحه ی ۵۷

79 همان

80 همان، صفحه ی ۵۸

پشتون بودند کنترل محله های مختلف را به دست گرفتند. دولت های انتقالی ابتدا تحت فرماندهی سقبت الله مجددی و بعد برهان الدین ربانی تنها کنترل جزئی ای بر شهری که تقسیم شده بود، داشتند⁸¹. بر اساس گزارش نقشه برداری سازمان ملل:

تمام گروه های مهم مسلح در مخاصمات پس از سقوط دولت نجیب الله بازداشتگاه داشتند. بعلاوه فرماندهان به طور شخصی زندان های خصوصی داشتند. گزارش شده است که بین سال های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۶ هزاران زندانی در مراکز مختلف از زندان و بازداشتگاه های مورد استفاده ی دولت سابق تا کانتینر های حمل و نقل که در همه جا پراکنده بودند، نگهداری می شدند. این بازداشت شدگان شامل اعضای حکومت سابق، احزاب رقیب و غیرنظامیانی بودند که به دلیل قومیت یا گرایش سیاسی خود بازداشت شده بودند. اخاذی ظاهرا انگیزه ی معمولی برای بازداشت نظامیان و غیرنظامیان بود. بعلاوه گروگانگیری بین تمامی احزاب مهمی که برای کنترل کابل می جنگیدند معمول بود. در برخی موارد، شبه نظامیان اعضای گروه شبه نظامی رقیب را به منظور تلافی یا برای مبادله با اعضای گروه خود که به گروگان گرفته شده بودند، می ربودند⁸². ظاهرا بسیاری از زندانیانی که به وسیله ی شورای نظر بازداشت شده بودند، ابتدا به بازداشتگاهی که قبلا به وسیله ی خاد اداره می شد و بعدها در زمان نجیب الله به وزارت امنیت دولتی یا واد معروف شد، برده می شدند⁸³. آن طور که سازمان عفو بین الملل گزارش کرده است «از اوایل سال ۱۹۹۴ دویمت زندانی در ریاست اول که واقع در دفتر خاد در ششدارک بود نگهداری می شدند» و «زندانیان سابق اظهار کرده اند که شکنجه و آزار در آن جا معمول بوده است.⁸⁴» آن هایی که در گروه زندانیان سیاسی طبقه بندی می شدند معمولا از تماس با سایر زندانیان محروم بودند⁸⁵. سازمان عفو بین الملل با یک زندانی سابق مصاحبه کرده و این زندانی چگونگی انجام شکنجه را توضیح داده است:

من را در یک سلول جداگانه گذاشتند. در اتاق بازجویی، می توانستم فریاد درد را از سلول های اطرافم بشنوم. آن ها مردی را روبه روی من قرار دادند و از من پرسیدند که او چه کسی است. من نمی دانستم در نتیجه به من شوک الکتریکی دادند⁸⁶.

در واد نه تنها این رویه ادامه پیدا کرد بلکه پرسنل نیز در طول زمان ثابت ماندند. در سال ۲۰۰۱ وزارت امور خارجه ی هلند تحلیلی را از سرویس های امنیتی در دوره ی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ارائه کرد و عنوان نمود که

81 این وقایع در اینجا خلاصه شده اند: گزارش نقشه برداری سازمان ملل، همان پانویس شماره ی ۸، صفحات ۲۰۶-۲۰۷

82 همان، صفحه ی ۲۳۴

83 همان، صفحه ی ۲۳۸

84 همان

85 همان

86 همان.

«بسیاری از مامورین خاد و واد... در سرویس های امنیتی دوران (دولت اسلامی افغانستان و گروه های مختلف مجاهدین در دوره ی ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۶ فعال بودند»⁸⁷

استفاده نظام مند از تجاوز اولین بار در این دوره ظاهر شد. گزارشگر ویژه خبر از حبس و تجاوز به زنانی داده است که به وسیله ی یکی از نیروهای شبه نظامی در قسمت شمال غربی کابل بازداشت شده بودند.⁸⁸

شکنجه و رفتار غیرانسانی در دوره ی امارت اسلامی افغانستان (۱۹۹۶-۲۰۰۱)

همان طور که در بالا گفته شد، طالبان در اواخر سال ۱۹۹۴ از دل بی نظمی پس از دوره ی ۱۹۹۲ پدیدار شدند. در عرض یک سال بیشتر جنوب و غرب افغانستان را تحت کنترل درآوردند. در سال ۱۹۹۶، طالبان کنترل کابل را به دست گرفتند و ادعای ایجاد امارت اسلامی افغانستان را نمودند. در کابل طالبان دولت بسیار سرکوبگری را در درجه ی اول بر مینای دستگاه اطلاعاتی خود بنیان نهادند، که سازمان اصلی آن را قاری احمدالله رهبری می کرد که مانند سبق خود به وسیله ی دفتر سابق خاد در صدارت عمل می کرد.⁸⁹

در مناطق شهری نقض های حقوق بشر و بشردوستانه به وسیله ی طالبان شامل محدودیت های سختگیرانه به منظور کنترل جمعیت غیرنظامی به صورت سیاست عمومی اجرا می شد. شکنجه هم به عنوان مجازات و هم برای اخذ اطلاعات اجرا می شد.⁹⁰

بنا بر گزارش گزارش نقشه برداری سازمان ملل:

فرماندهان طالبان افراد را اغلب بر اساس قومیت زندانی می کردند همان طور که وقتی احزاب رقیب برای کنترل کابل می جنگیدند، این کار را می کردند. در برخی موارد این بازداشت ها بخشی از راهکار کلی طالبان برای کنترل اجتماعی بود. افرادی که به گروه های قومی ای که در مقابل طالبان مقاومت کرده بودند تعلق داشتند، همواره با ترس از بازداشت، شکنجه و اعدام زندگی می کردند. در بقیه ی موارد، افراد به منظور اخذی زندانی می شدند.⁹¹ طالبان همچنین مجازات هایی که به وسیله ی قوانین شرع وضع

87 هلند، وزیر امور خارجه، افغانستان-سرویس های امنیتی در افغانستان کمونیستی (۱۹۷۸-۱۹۹۲). اگسا، کام، خاد و واد، ۲۶ آوریل ۲۰۰۱، صفحه ی ۳۰.

<http://www.refworld.org/docid/467006172.html> (بازدید در ۲۶ آوت ۲۰۱۳)

88 شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد، کمیسیون حقوق بشر، «گزارش درباره ی وضعیت حقوق بشر در افغانستان» (E/CN.4/11995/64)، پاراگراف ۱۰

89 گزارش نقشه برداری افغانستان، همان پانویس شماره ی ۸، صفحه ی ۲۴۴

90 سازمان عفو بین الملل، افغانستان: رفتار یا مجازات ظالمانه و غیرانسانی، شماره ی ایندکس ۱۱/۱۵/۹۹، نوامبر ۱۹۹۹، صفحه ی ۲-۱

91 گزارش نقشه برداری افغانستان، همان پانویس شماره ی ۸، صفحه ی ۲۴۸

شده را در مورد سرقت، زنا و شرب خمر اجرا می کردند که شامل شلاق، قطع ید می شد⁹². بعلاوه، «نوع جدیدی از رفتار ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز به وسیله ی طالبان در اوایل سال ۱۹۹۸ افغانستان ظاهر شد وقتی که ۵ مرد به جرم لواط به مرگ با خراب کردن دیوار بر روی سرشان محکوم شدند»⁹³

شکنجه و سایر رفتارهای غیرانسانی در جمهوری اسلامی افغانستان و به عنوان بخشی از مبارزه با تروریسم در افغانستان (۲۰۰۱-۲۰۱۳)

مطالب بسیاری در مورد استفاده از شکنجه از سوی نیروهای ایالات متحده و متحدین در افغانستان از زمان جنگ علیه طالبان و القاعده در اواخر سال ۲۰۰۱ نوشته شده است. پروژه ی عدالت ربای افغانستان در گزارش سال ۲۰۰۵ خود استدلال نمود:

در این قسمت اخیر جنگ، نقض های جدی حقوق بشر مانند مرگ در دوران بازداشت و شکنجه ادامه پیدا کرد. گروه های شبه نظامی در میان مسبین این نقض ها بودند که برخی از مجاهدین سابق به شمار می آمدند و برای کنترل قلمرو، قدرت و منابع شامل کنترل تجارت مواد مخدر می جنگیدند. شماری از این فرماندهان مقصر با آمریکا متحد شدند⁹⁴.

نیروهای ایالات متحده نیز مسئول شکنجه و سایر نقض ها بودند. بنا بر گزارش پروژه ی عدالت برای افغانستان، این نیروها از روش هایی که به وسیله ی رژیم های سابق نیز استفاده می شد، مانند «روش های خشن و سبعانه ی شکنجه که گاهی به مرگ منجر می شد و استفاده از بازداشتگاه های مخفی که شکنجه را تسهیل می کرد» بهره می جستند⁹⁵. دیده بان حقوق بشر یکی از این موارد را این طور توصیف می کند:

در نوامبر سال ۲۰۰۲، بنابر گزارش ها سیا در شکنجه و کشتن زندانیان در افغانستان مشارکت داشت. واشینگتن پست در ۳ مارس پس از مصاحبه با ۴ مقام دولتی آگاه به پرونده گزارش کرد که یک افسر پرونده در سیا در سالت پیت (جاه نمک)، یکی از زندان های مخفی تحت کنترل آمریکا در شمال کابل، دستور داده است که یک جوان افغان را که با بازجویان همکاری نمی کرد «برهنه و به آسفالت زنجیر و تا صبح بدون پتو به حال خود رها کنند». بنا بر این گزارش، زندانیان افغان که «از سیا حقوق می گیرند و تحت نظارت سیا کار می کنند» قبل از این که زندانی را تمام شب بدون لباس در سلول بگذارند، او را روی آسفالت بازداشتگاه به این طرف و آن طرف می کشیدند و

92 افغانستان: رفتار یا مجازات ظالمانه و غیرانسانی، همان پانویس شماره ی ۹۰، صفحه ی

او را «پوست او را پر از زخم و خراش کردند.» گزارش کالبدشکافی پرسنل پزشکی علت مرگ را هیپوترمی (سرمازدگی) اعلام کرد و آن مرد در «گوری بدون نام و نشان» دفن شد. یک مقام دولتی ایالات متحده که با واشینگتن پست مصاحبه کرده بود، گفت: «او فقط از صفحه ی روزگار ناپدید شد»⁹⁶

سازمان «اول حقوق بشر» در گزارش ۲۰۰۶ خود در مورد سوء رفتار پرسنل آمریکایی در عراق و افغانستان آورده است که «متأسفانه تنها نیمی از موارد شکنجه ی زندانیان تا حد مرگ به مجازات بانیان منجر شده است. بیشترین مجازات برای افرادی که شریک مرگ های در اثر شکنجه بوده اند، ۶ ماه حبس است.⁹⁷» در وقایع در اوایل سال ۲۰۰۵، نیروهای ایالات متحده از تجدید دوره ی ماموریت «متخصصین مستقل سازمان ملل» در افغانستان به دلیل تلاش مکرر آنان برای دسترسی به بازداشتگاه ها در افغانستان جلوگیری کردند.⁹⁸

اداره ی امنیت ملی و خاد: موضوع مکرر در افغانستان معاصر

شکنجه مشکل مداوم در اداره ی امنیت ملی، جانشین فعلی خاد/واد است. افغان ها مدام از این نهاد با علائم اختصاری قدیم خود یا می کنند که نشانگر این است که درک عمومی از این نهاد تغییر اندکی کرده است.⁹⁹ بقیه ی نهاد های امنیتی دولتی شامل پلیس ملی نیز متهم به شکنجه ی بازداشت شدگان گردیده اند.¹⁰⁰

96 سازمان دیده بان حقوق بشر، قتل و شکنجه به وسیله ی زندان قدیمی بوغریب، گزارش خبری، ۲۰ مه ۲۰۰۵، ر.ک. دانا پریست، «سیا از بررسی رفتار با زندانیان خودداری می کند»، واشنگتن پست، ۲ مارس ۲۰۰۵ (گزارش از سوء رفتار با زندانیان).

97 سازمان حقوق بشر اول، مسئولیت فرماندهی: مرگ زندانیان در بازداشت ایالات متحده در عراق و افغانستان، فوریه ی ۲۰۰۶، صفحه ی ۲۵، قابل دسترسی در <http://www.humanrightsfirst.org/wp-content/uploads/pdf/06221-etn-hrf-dic-rep-web.pdf>

98 وارن هوج، «وکلی که خبر از سوء رفتار در پایگاه های آمریکا در افغانستان داد مقام خود را در سازمان ملل از دست می دهد»، نیویورک تامیز، ۲۰ آوریل ۲۰۰۵، http://www.nytimes.com/2005/04/30/international/asia/30nations.html?_r=0.

از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۵، شورای حقوق بر سازمان ملل هیئتی را به عنوان کارشناسان مستقل برای افغانستان اختصاص داد. ماموریت این نهاد تغییر دیگری نکرد. ر.ک. دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر، «افغانستان و سازمان های مبتنی بر منشور سازمان ملل» <http://www.ohchr.org/en/countries/asiaregion/pages/afindex.aspx>

99 مشاهدات مولف

100 کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، بنیاد جامعه ی باز، شکنجه، انتقال و محرومیت از دادرسی منصفانه: رفتار با زندانیانی که در رابطه با مخاصمه در افغانستان دستگیر شده اند، ۱۷ مارس ۲۰۱۲، صفحه ی ۲، قابل دسترسی از

هیچ یک از مقامات اداره ی امنیت ملی افغانستان یا پلیس ملی افغان تا کنون برای شکنجه تحت تعقیب قرار نگرفته اند. در سپتامبر ۲۰۱۲ پرزیدنت کرزای اسدالله خالد، فرماندار سابق قندهار را به عنوان رییس اداره ی امنیت ملی افغانستان منصوب کرد برغم این که سازمان های حقوق بشری بین المللی و افغان خالد را به اداره ی یک زندان مخفی غیرمجاز در شهر قندهار که در آن شکنجه صورت می گرفت، متهم کرده و به انتصاب او اعتراض داشتند.¹⁰¹

موارد شکنجه به وسیله ی سازمان های افغان و بین المللی خوب مستندسازی شده اند. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و بنیاد جامعه ی باز (این سوسایتی) شرایط زندان ها و سایر مراکز را در دوره ای یک ساله از فوریه ۲۰۱۱ تا ژانویه ی ۲۰۱۲ نظارت کرده و «شواهدی معتبر مبنی بر شکنجه در ۹ مرکز اداره ی امنیت ملی و چندین مرکز پلیس ملی افغان مانند ضرب و شتم، آویزان کردن از سقف، شوک الکتریکی، تهدید به و یا انجام آزار جنسی و سیار آزار های روحی و جسمی یافته اند که مدارما برای اخذ اقرار و یا سایر اطلاعات به کار گرفته می شدند»¹⁰² در گزارش متعاقبی از این دو سازمان آمده است که وضعیت در تمامی این مراکز بهبود یافته اند به جز قندهار که الگوی شکنجه در آن در گزارش قبلی مفصلا آمده بود.¹⁰³ مطابق گزارش سازمان ملل، شکنجه و آزار زندانیان به رویه ی معمولی در بازداشتگاه های افغانستان مبدل شده است. برای مثال در گزارشی در سال ۲۰۰۳ هیئت کمک رسانی به افغانستان (یوناما) اعلام داشت که اداره ی امنیت ملی به طور مداوم در مراکز سراسر کشور دست به شکنجه و آزار می زند.¹⁰⁴ یافته های یوناما بر اساس تحقق از زندان های سراسر افغانستان و مصاحبه با ۶۲۵ زندانی است که بیشتر آن ها به وسیله ی اداره ی امنیت ملی به اتهام ارتباط با طالبان بازداشت شده بودند.¹⁰⁵ به طور مشخص:

یوناما شواهد معتبر و قابل اعتمادی مبنی یافت که بیشتر از نیمی از این

101 سازمان دیده بان حقوق بشر، پاداش شکنجه در افغانستان؟، ۱۰ سپتامبر ۲۰۱۲، قابل دسترسی در:

<http://www.hrw.org/news/2012/09/10/rewarding-afghanistan-s-torturers>

102 شکنجه، انتقال و محرومیت از دادرسی منصفانه: رفتار با زندانیانی که در رابطه با مخاصمه در افغانستان دستگیر شده اند، همان پانویس شماره ی ۱۰۰ صفحه ی ۲

103 کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، به روزرسانی گزارش کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، بنیاد جامعه ی باز از نظارت بر بازداشتگاه های اداره ی امنیت ملی، قابل دسترسی در: <http://www.aihrc.org.af/en/daily-reports/1037/report-of-aihrc-and-open-society-on-monitoring.html>

104 هیئت کمک رسانی به افغانستان، «رفتار با زندانیانی که در رابطه با مخاصمه در افغانستان دستگیر شده اند، در بازداشت دولت افغانستان: یک سال شروع می شود»، ۲۰ ژانویه ی ۲۰۱۲،

<http://unama.unmissions.org/Default.aspx?ctl=Details&tabid=12254&mid=15756&ItemID=36279>

زندانیان مصاحبه شده (۲۲۶ زندانی) در مراکز مختلف اداره ی امنیت ملی، پلیس ملی افغان، ارتش ملی افغان و پلیس محلی افغان مورد شکنجه و سوء رفتار قرار گرفته اند. مصاحبه کنندگان یوناما شاهد جراحت، نشانه و اثر زخم بر روی بسیاری از زندانیان بودند که با شکنجه و آزار و/یا پانسمان و سایر شواهد مداوای پزشکی این جراحت ها همخوانی داشت¹⁰⁶. در زندان های اداره ی امنیت ملی در شهر قندهار، یکی از پایگاه های سابق طالبان، یوناما شکنجه را «نظام مند» توصیف کرد¹⁰⁷.

گزارش های یوناما و .../کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان شاهد این مدعاست که تنها راه از بین بردن آزار زندانیان به کارگیری استراتژی ای است که شامل نظارت مداوم بر بازداشتگاه ها باشد.

در پاسخ به گزارش یوناما، دولت افغانستان ابتدا به ساکن یافته های حاکی از شکنجه ی نظام مند را «اغراق شده» توصیف و آن ها را رد کرد با این ادعا که شورشیان برای متهم کردن دولت به شکنجه آموزش دیده اند¹⁰⁸. اداره ی امنیت ملی افغانستان به سهم خود اداره ی زندان های مخفی را انکار کرد¹⁰⁹. به هر حال در فوریه ی ۲۰۱۳، پرزیدنت حامد کرزای طی حکمی دستور به انجام اقداماتی علیه شکنجه مانند تحویل بازداشت شدگان به دفتر دادستانی برای تحقیق در عرض ۷۲ ساعت از دستگیری و تعقیب مقاماتی که بنابر ادعاها مسئول ارتکاب شکنجه هستند، داد¹¹⁰. بعلاوه در ۸ سپتامبر ۲۰۱۳ پرزیدنت کرزای کمیته ای را برای «تحقیق در مورد شرایط کلی زندان ها و بازداشتگاه ها به همراه وضعیت و موقعیت زندانیان و بازداشت شدگان» ایجاد کرد¹¹¹. این کمیته قرار بود توصیه های خود را در عرض سه ماه گزارش کند¹¹² اما تا این تاریخ هیچ یک از مقامات افغان برای شکنجه مورد تعقیب قرار نگرفته اند.

نتیجه: نهادینه شدن سوء رفتار

-
- 106 همان
107 همان
108 اما گراهام- هریسون، «گزارش سازمان ملل می گوید شکنجه در زندان های افغان در حال اوج گیری است»، گاردین، ۲۰ ژانویه ۲۰۱۳، <http://www.theguardian.com/world/2013/jan/20/un-report-torture-afghan-jails>
109 همان
110 کت کلارک، «شکنجه، گروه های مسلح غیرقانونی: نشانه های اقدام احتمالی دولت افغانستان؟» شبکه ی تحلیلگران افغانستان، ۲۳ فوریه ی ۲۰۱۳، <http://www.afghanistan-analysts.org/torture-illegal-armed-groups-signs-of-possible-afghan-government-action>
111 سازمان دیده بان حقوق بشر، افغانستان: تحقیقات در زندان ها باید سوء استفاده های درازمدت را مورد بررسی قرار دهد»، ۲۶ سپتامبر ۲۰۱۳، قابل دسترسی در: <http://www.hrw.org/news/2013/09/26/afghanistan-prison-probe-should-address-longstanding-abuses>
112 همان

چرا شکنجه به عنوان ابزاری برای سرکوب در افغانستان در طی سال ها ادامه یافته است؟ بخشی از پاسخ در این حقیقت است که بر خلاف این موضوع که اقرار تحت شکنجه در قانون اساسی افغانستان منع شده، تحقیقات کیفری در افغانستان بیش از حد مبتنی بر اقرار است¹¹³. گزارشگر ویژه ی شکنجه از کمیسیون سابق حقوق بشر سازمان ملل متحد، پیتز کویجمانز به درستی تاکید نموده که شکنجه هیچ گاه یک پدیده ی مجرد و جدا نیست: «شکنجه در اتاق های شکنجه ی این دنیا شروع نمی شود... بلکه خیلی زودتر از آن آغاز می گردد... بنابراین ضمانت هایی علیه شکنجه برای مداوای زندانیان و سایر افراد بازداشت شده، باید قبلا ایجاد شده باشد¹¹⁴» علاوه وقتی که «شکنجه به صورت گسترده ارتکاب می یابد، در فرهنگ و عملکرد دستگاه امنیتی درونی می گردد¹¹⁵» تلاش ها برای انتقال قدرت بعد از و یا در حین مخاصمه چالش های بزرگ تری به همراه دارد زیرا «شکنجه معمولا در «رویه ی» تمامی کنشگران یک مخاصمه ریشه می دواند¹¹⁶» در چنین موقعیت هایی شکنجه معمولا تا مدت ها پس از انتقال قدرت ادامه می یابد.

ژرژت گگنون، رییس بخش حقوق بشر یوناما اظهار داشته است که مصونیت فراگیر مهم ترین عامل استمرار شکنجه در افغانستان است:

یافته های یوناما حاکی از عدم پاسخگویی مستمر مرتکبین شکنجه و تحقیقات اندک در این مورد و عدم وجود تعقیب کیفری در مورد مسببین شکنجه است... این یافته ها مشخص می کند که شکنجه تنها با آموزش، بازرسی و بخش نامه مداوا نمی شود بلکه نیاز به اقدامات مناسب برای اعمال مسئولیت کیفری دارد تا متوقف گردیده و از انجام آن جلوگیری شود. بدون ارباب و بازدارندگی از اعمال شکنجه مانند رویه ی تحقیقات قوی و مستقل، تعقیب کیفری و خودداری مستمر دادگاه ها در پذیرفتن اعترافات که از طریق شکنجه به دست آمده اند، مقامات افغان انگیزه ای برای توقف شکنجه ندارند¹¹⁷.

113 شکنجه، گروه های مسلح غیرقانونی: نشانه های اقدام احتمالی دولت افغانستان؟، همان پانویس شماره ی ۱۱۰

114 پیتز اچ. کوجمان، نقش و عملکرد گزارشگر ویژه ی شکنجه سازمان ملل، صفحه ی ۶۵ (آنتونیو کسسه، ویراست. بادن-بادن ۱۹۹۱).

115 لورنا مک گرگور، «عدالت انتقالی و پیشگیری از شکنجه»، مجله ی عدالت انتقالی (۲۰۱۲)، صفحه ی ۴۶

<http://ijtj.oxfordjournals.org/content/7/1/29.full.pdf+html>

116 همان، صفحه ی ۳۶

117 یوناما، یوناما گزارش خود را درباره ی شکنجه ی زندانیان زندان های افغان که در رابطه بامخاصمه بازداشت شده اند، منتشر می کند.، ۲۰ ژانویه ی ۲۰۱۳.

<http://unama.unmissions.org/Default.aspx?ctl=Details&tabid=12254&mid=15756&ItemID=36279>

در سایه ی این تحقیقات، مهم ترین گام ها برای مهار سوء رفتار و شکنجه ی بازداشت شدگان شامل این هاست: فراهم کردن امکان دسترسی به زندانیان برای گروه های نظارتی، امحای بازداشت مخفیانه و فراهم آوردن مکانیسم های قابل اعتماد و امن شکایت برای زندانیان و تضمین این که این شکایات به طور عادلانه بررسی شده و مسببین این آزار ها تعقیب می گردند.¹¹⁸

تا هنگامی که این اقدامات اجرایی نگردیده اس، مستندسازی برای نگهداری سابقه ی تاریخی از این نقض های حقوق بشر و بشردوستانه اتفاق افتاده اهمیتی حیاتی دارد تا اطلاعات در مورد این نقض ها حفظ شود. این حقیقت که شکنجه به طور گسترده توسط هر یک از رژیم های پی در پی در افغانستان در میان افغان ها شناخته شده است. به هر جهت این شناخت بدون مستندسازی به رسمیت شمردن شکنجه توسط حکومت یا به ایجاد مکانیسم های موثر جلوگیری از این سوء رفتارها منجر نخواهد شد.

118 گزارش سازمان عفو بین الملل، برنامه ی ۱۲ موردی برای جلوگیری از شکنجه، شماره ی ایندکس ACT 40/001/2005، بیست و دو آوریل ۲۰۰۵، قابل دسترسی در <http://www.amnestyusa.org/our-work/campaigns/security-with-human-rights/security-with-human-rights-campaign-resources/12-point-program-for-the-prevention>